

## واعظمهدوی، مدیر عامل صندوق بیمه روستاییان و عشایر شد

با حکم وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، محمدرضا واعظمهدوی، به سمت مدیرعاملی صندوق بیمه اجتماعی کشاورزان، روستاییان و عشایر منصوب شد. محمدرضا واعظمهدوی، پیش از این، مسئولیت‌هایی از جمله معاونت توسعه امور علمی و فرهنگی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، عضویت در شورای سیاستگذاری مشارکت‌های اجتماعی در نظام سلامت کشور، عضویت در شورای سیاستگذاری نظام بیمه‌های درمانی کشور، مسئولیت کمیته امور اجتماعی تحقق سند چشم‌انداز، و معاونت سیاستگذاری و برنامه‌ریزی وزارت رفاه و تأمین اجتماعی را در طول سال‌های گذشته، عهده‌دار بوده و جایگزین محمدرضا رستمی شده است.

یکشنبه ● اول بهمن ۱۳۹۶ ● شماره صد و سی و هشت

ا ت ی چ ع ح ن و

# بدهکار خوب، بدهکار بد

● یادداشت ●  
● علی حدیدی ●

سیر تطور شکل‌گیری بیمه‌های اجتماعی در دنیا و ایران بدینگونه بود که ابتدا بیمه اجتماعی اساساً وجود نداشت و نوعی بردگی، استثمار و بهره‌کشی از نیروی کار و نگاه ابزاری به او حاکم بود و بعدها حق بیمه، از حقوق کارگر کسر می‌شد (یک‌جانبه) پس از چندی کارفرمایان هم در این حق بیمه مشارکت کردند (دوجانبه) و سپس دولت‌ها نیز در پرداخت حق بیمه سطح پایه مشارکت کردند (سه جانبه) و بعضاً در سطوح مازاد و مکمل هم دولت‌ها به‌عنوان مشوق و محرک پرداخت‌هایی به‌صورت بارانه یا کمک انجام می‌دادند و می‌دهند. در ایران بعضاً دولت‌ها و مجالس گذشته با اهدافی چون اشتغال‌زایی، تثبیت قیمت‌ها، حمایت از اقشار خاص و ...، گاه علاوه بر سهم حق بیمه دولت، تقبل حق بیمه سهم کارفرمایان یا کارگران را جزئی یا کلاً تقبل و تعهد کرده‌اند و تقریباً طی ۴ دهه گذشته، پرداخت تمامی این موارد معوق مانده و روند تولید و انباشت بدهی‌های دولت روز به روز فزونی یافته و می‌یابد و در حال حاضر مجموع این بدهی‌ها به بیش از ۱۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده است و به‌رغم احکام مصرح در قانون تأمین اجتماعی (۱۳۵۴)، قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی (۱۳۸۲) و قوانین برنامه توسعه چهارم، پنجم و ششم مبنی بر لزوم بازپرداخت بدهی‌های سنواتی دولت و جلوگیری از انباشت آنها، متأسفانه نه تنها دولت‌های گذشته معوقات سنواتی خود را نپرداخته‌اند، بلکه در لایح بودجه سنواتی نیز برای پرداخت حق بیمه‌های جاری ردیف و اعتبار متناسب تعیین‌نکرده‌اند. درخصوص بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی، تا پیش از سال ۱۳۸۳ و تصویب قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، دولت بابت بدهی‌های خود به سازمان بازنشتسگی کشوری ۵ در هزار جریمه دیرکرد می‌پرداخت، ولی این جریمه درخصوص بدهی‌های دولت به سازمان تأمین اجتماعی اعمال نمی‌شد. براساس بند "ه" ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مقرر شد دولت بدهی‌های خود به کلیه سازمان‌های بیمه‌گر اجتماعی را به‌روز رسانی کرده و به ارزش روز بپردازد و علی‌القاعده بایستی مبنای به‌روز رسانی این ارقام اصول، قواعد و محاسبات بیمه‌ای (اکچوریا) می‌بود ولیکن چون در آن زمان این محاسبات و استانداردها در دسترس نبود، قانون‌گذار نرخ اوراق مشارکت (که در آن زمان بالاتر از نرخ سود بانکی بود) را به‌عنوان مکانیسم کف و حداقل برای به‌روز رسانی بدهی‌های دولت منظور کرد. متعاقب این امر در سال ۱۳۸۴ محاسبات مالی لازم‌درخصوص مطالبات معوق دولت از سال ۱۳۵۴ تا ۱۳۸۳ انجام و با تأیید سازمان حسابرسی کشور و تصویب مراجع ذیصلاح یعنی هیات

نظارت سازمان (که رئیس آن نماینده وزیر امور اقتصادی و دارایی بود) و شورای عالی تأمین اجتماعی (هیأت امنای فعلی که ریاست آن به‌عهده وزیر رفاه و تأمین اجتماعی بود و نمایندگان سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی و ۵ وزیر دیگر عضو آن بوده و دولت اکثریت آن را در اختیار داشت و دارد) رسید. این رویه حسابداری و استاندارد حسابرسی از سال ۱۳۸۳ تاکنون برقرار بوده و صورت‌های مالی سازمان در سال ۱۳۹۳ نیز بر همین اساس تهیه و به تأیید سازمان حسابرسی رسیده و پس از تأیید هیأت نظارت به تصویب هیأت امنا رسیده است. در دنیا حتی با فرض اینکه تشکل‌های کارفرمایی و کارگری واقعی بوده و صرفاً صنفی هستند، باز هم گفته شده است که دولت به‌عنوان پایدارترین نهاد جامعه و امانت‌دار حق الناس و بیت‌المال، این سازمان‌ها را با مکانیسم سه‌جانبه‌گرایی اداره کند تا چه رسد به ایران که فرض واقعی بودن و مستقل بودن، صنفی و غیرسیاسی بودن تشکل‌های کارفرمایی و کارگری، فرض محال است و حال در چنین شرایطی، اگر قرار باشد دولت هم به‌روح و ماهیت این امانت توجه لازم را نکند که دیگر ولویلاست. اخیراً مزه‌مه‌هایی از سوی برخی نمایندگان محترم مجلس در سایت‌ها و ... انتشار یافته مبنی بر اینکه به سازمان تأمین اجتماعی توصیه کرده‌اند که فقط اصل طلب خود را در دولت رامطالبه و دریافت کند. همچنین مزه‌مه‌هایی در برخی از اجزاء و بدنه دولت بر همین سیاق شنیده می‌شود که اجرای بند "ه" ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی را به‌اشتباه نوعی ربا و ربح مرکب قلمداد کرده‌اند. در حالی که متن قانون صراحت دارد که این بند برای به‌روز رسانی ارزش حق بیمه سهم دولت است و مشابه همین مکانیسم درخصوص حق بیمه کارگر و کارفرما اعمال می‌شود و درصورت تأخیر در پرداخت، مشمول این به‌روز رسانی می‌شوند چرا که در هر حال بایستی ارزش روز ذخایر بیمه‌شدگان که مشاع، بین‌النسلی و حق الناس بوده و به امانت نزد متولیان دولتی یا منصوب دولت نهاده شده است، حفظ شود. باید توجه داشت حتی اعمال روش مرکب برای به‌روز رسانی بدهی‌های دولت طی این چند دهه به‌خاطر تغییر پایه پولی، تغییرات نرخ ارز و ... باز هم به ضرر بیمه‌شدگان است تا چه رسد به اینکه بخواهد دولت بدون سود یا به روش ساده (و نه مرکب) این بدهی‌ها را بپردازد.

تردیدی نیست که دستگاه‌های دولتی و شرکت‌ها و موسسات دولتی که حق بیمه مربوط به کارگران خود را از دهه ۵۰ نپرداخته‌اند، این پول را صرف سر مایه‌گذاری و ... کرده‌اند و علی‌القاعده آن پولی که حق کارگر بوده، برای آنها ارزش آفرینی و سودآوری داشته است، از طرفی سازمان تأمین اجتماعی نیز خدمات درمانی، بازنشتسگی و بیمه‌کاری را به کارگران در حال حاضر به ارزش روز می‌پردازد فلذا اگر دولت قرار است حق بیمه سهم خود یا حق بیمه‌هایی که تقبل و تعهد کرده را

با تأخیر بپردازد، باید ارزش آن را روزآمدسازی کند وگرنه روند خدمات‌رسانی به کارگران مختل خواهد شد و خدای ناکرده نوعی خیانت در امانت صورت پذیرفته است. در همین زمینه، بندهای "ج" و "د" ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، چگونگی رابطه مالی دولت با سازمان تأمین اجتماعی را مشخص کرده است: ج - اجرای تصمیمات و احکام دولت در جهت کاهش منابع و یا افزایش مصارف و تعهدات صندوق‌ها و مؤسسات بیمه‌ای منوط به تأمین منابع مالی معادل آن خواهد بود. لغو مفاد این بند مشروط به تصریح نام و ذکر موضوع در سایر قوانین خواهد بود. د - وجوه، اموال، ذخایر و دارایی‌های صندوق‌های بیمه اجتماعی و درمانی در حکم اموال عمومی بوده و مالکیت آن مشاع و متعلق به همه نسل‌های جامعه تحت پوشش است، هرگونه تصرف دولت در این اموال و رابطه مالی دولت با صندوق‌های موصوف در چارچوب قوانین و مقررات مورد عمل صندوق‌ها خواهد بود." به این ترتیب اگر دولت‌ها تصمیم گرفتند که حق بیمه سهم کارگران و کارمندان را به‌موقع نپردازند به‌موجب بندهای "ج" و "د" ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی بایستی تبعات آن را بپذیرند و بار مالی (عدم النفع کارگران) را تأمین کنند. گفتنی است در بند "ه" ماده ۷ همان قانون، مکانیسم به‌روز رسانی حق بیمه‌های معوقه دولت نیز مشخص شده که باید به روش مرکب و روزشمار به نرخ اوراق باشد: ه - مطالبات سازمان‌ها، صندوق‌ها و مؤسسات بیمه‌ای فعال در قلمروهای نظام تأمین اجتماعی از دولت، بر مبنای ارزش واقعی روز و براساس نرخ اوراق مشارکت پرداخت خواهد شد."

همچنین لازم به ذکر است که در ماده ۴۹ قانون تأمین اجتماعی (مصوب ۱۳۵۴) نیز مطالبات این سازمان در عداد دیون متنازه قلمداد شده است، جالب توجه اینکه مجلس و دولت این رویکرد را در قبال صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی دولتی ندارند و نه تنها مطالبات آنها را به‌روز رسانی می‌کنند (مثل کاری که در



## کتیفو | ۰۵



قبال صندوق فولاد انجام شد و محاسبات آکچورای را مالاک گذاشته‌اند) بلکه حتی به آنها کمک هم می‌کنند ولی وقتی که نوبت به سازمان تأمین اجتماعی می‌رسد، بحث عدم پرداخت متفرعات بدهی‌های دولت را مطرح می‌کنند می‌گویند "بدهکار خوب، بدهکاری است که هرچند وقت یک بار، به طلبکار خود سلام بدهد" ولی ظاهراً نهاد دولت بدهکار خوبی نیست و هر از چندگاهی بخشی از بدهی خود را کم می‌کند و گویی این بدهی به سازمان تأمین اجتماعی را روی بخ نوشته است و این بخ دارد آب می‌شود و بدهی آب می‌رود! به‌نظر می‌رسد در شرایط مضیقهِ مالی دولت، عده‌ای ناآشنا به اصول، قواعد و محاسبات بیمه‌ای کارگران (بیمه‌شدگان و مستمری‌گیران) اعتقادی ندارند، گاه مشورت‌های غلط به دولت و مجلس می‌دهند. بدیهی است متولیانِ که هرگز تعلقات شخصی و باندى را بر مصالح و منافع واقعی کارگران ترجیح نداده و نمی‌دهند فقط به فکر گران چند صباح مدیریت خود نیستند در مقابل این رویکردهای ناصواب، سیاست سکوت یا همراهی را در پیش نخواهند گرفت.

بدین ترتیب دولت و مجلس محترم باید مشخص کنند که اگر سازمان تأمین اجتماعی از کارگر و کارفرما حق بیمه نگیرد و دولت هم حق بیمه ندهد یا با تأخیر ۴۰ ساله اصل حق بیمه را بدهد، این سازمان چگونه باید خدمات خود به بیمه‌شدگان و مستمری‌گیران را تأمین مالی کند. طبق قانون و شرع و براساس اصول امانت، حق الناس، مشاع و بین‌النسلی بودن منابع سازمان تأمین اجتماعی لازم است بدهی‌های نهاد دولت در حداقل شرایط با اعمال نرخ اوراق مشارکت به‌صورت مرکب (نه ساده) به‌روز رسانی شده و در اسرع وقت به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت شود و درخصوص نحوه محاسبه بدهی، علی‌القاعده خود بدهکار (دولت) بنبایستی تصمیم‌گیرنده اصلی و نهایی باشد.

این متن خلاصه‌ای از یادداشت منتشر شده تأیید رئیس هیئت‌مدیره سازمان تأمین اجتماعی در سایت تأمین ۱۴ است

● یادداشت ●  
● کیوان مرتضوی ●

## اظهر من الشمس یک احتمال بی‌منطق

اولین نکته در بحث‌هایی که این روزها درباره تغییر فرمول محاسبه مطالبات مطرح است، زایدبودن چنین پیشنهادی است. ماده ۷ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی، دولت را مکلف کرده که بر مبنای نرخ اوراق مشارکت، ارزش واقعی مطالبات را محاسبه و پرداخت کند. این بدان معناست که بدهی‌های دولت به تأمین اجتماعی، باید به‌روزشده پرداخت شوند. از نظر اقتصادی و آماری، اقدام به‌روزرسانی کردن، تابع فرمول‌های مشخصی است. آمارهای تأییدشده سازمان حسابرسی کشور، حاکی از آن است که تا پایان سال ۹۵، دولت حدود ۱۴۵ هزار میلیارد تومان به تأمین اجتماعی بدهی دارد. در حقیقت این پیشنهاد که به‌صورت غیررسمی از سوی برخی نمایندگان مجلس در برخی محافل مطرح شده، هیچ‌گونه مبنای عقلانی‌ای ندارد و از جهتی نیز در تضاد با عملکرد حوزه‌های مشابه نظیر نظام بانکی است. نکته دیگر اینکه طرح چنین بحث‌هایی، در موقعیتی که سازمان تأمین اجتماعی با بحران نقدینگی روبه‌روست، به هیچ‌وجه منطقی کارشناسی و فنی ندارد. سازمان تأمین اجتماعی، از یک سو به نقدینگی نیاز دارد و از سوی نیز دولت به تعهدات خود عمل نکرده است. این در حالی است که انتظار می‌رود این تعهدات، به صورت به‌روز و نقدی به حساب سازمان تأمین اجتماعی واریز شود. روشن است که زمانی که تأمین اجتماعی نتواند مطالبات خود را به‌موقع و کامل دریافت کند، تعهدات بلندمدت به‌ویژه در قبال مستمری‌گیران- مشمول تأخیر خواهد شد و چپ‌ساز افزایش میزان مستمری‌ها را نیز با چالش روبه‌رو شود. اظهر من الشمس است که چنین بحث‌های فاقد بنیان و منطق کارشناسی‌ای، تا چه اندازه آسیب‌زننده خواهد بود. حتی این احتمال وجود دارد درصورتی که فرمول محاسبه مطالبات، از مرکب به ساده تغییر کند. در کم و کیف ارائه تعهدات به مشترکان سازمان تأمین اجتماعی نیز چالش به وجود خواهد آمد. از جهتی دیگر نیز می‌توان به نامکمبودن موضوع، ورود کرد. اگر طراحان این فرمول، قائل به این باشند که با تغییر فرمول محاسبه، قدری از بار بدهی‌های دولت کم کنند و سازمان تأمین اجتماعی هم به بخشی از طلب‌های خود راضی باشد، در آن صورت، سوال این است که شرع چه می‌گوید؟ آیا آموزه‌های دینی و اسلامی ما اجازه می‌دهند که حق الناس را از بین ببریم؟ و به هر دلیلی از دادن آن پرهیز شود؟ دقت کنید که بدهی‌های دولت به تأمین اجتماعی، یا جاری است یا انباشته‌شده. منظور از بدهی‌های جاری، حق بیمه‌هایی است که دولت باید طبق قانون، بابت سهم حق بیمه خود برای گروه‌های مختلف بیمه‌ای و کمک‌بیمه‌ای به اقشار مختلف، پرداخت می‌کرده، اما از آن سرباز زده است. سازمان حسابرسی، به طور معمول به تمام سازوکارهای سازمان تأمین اجتماعی اشراف و نظارت کامل دارد و در فرآیندهای محاسباتی خود، صحت و سقم بدهی‌ها و منشا ایجاد هر کدام را به طور دقیق بررسی می‌کند. بدون شک در اعلام رقم ۱۴۵ هزار میلیارد تومانی دولت به تأمین اجتماعی، تمام قوانین و مقررات و بندها و تبصره‌های تهیدی دولت و سازمان تأمین اجتماعی، نسبت به یکدیگر کنترل شده‌اند. به‌طور معمول نیز دولت‌ها تکالیف خود را بر همین مبنا و اساس تنظیم و پرداخت‌ها انجام می‌دهند. به عبارتی، سازمان حسابرسی، مرجعی قانونی میان دولت و تأمین اجتماعی است. دولت در برنامه ششم توسعه، مکلف شده سالانه ۱۰ درصد از بدهی‌های خود را به تأمین اجتماعی براساس گزارش سازمان حسابرسی پرداخت کند. سازمان تأمین اجتماعی نیز همواره اعلام کرده که باید آمار و ارقام سازمان حسابرسی، مبنای پرداخت‌ها قرار گیرد. از همه اینها گذشته، تغییر دادن مبنای محاسبه بدهی‌ها و اجرایی کردن آن، به‌سادگی امکان‌پذیر نیست. ضمن اینکه سازمان تأمین اجتماعی نیز در این فرآیند، دیدگاه‌های کارشناسی محکمی دارد که در مواقع لزوم، مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

کارشناس تأمین اجتماعی

### مدیر کل فرهنگی واجتماعی کارفرمایان تأمین اجتماعی؛

## شرکای اجتماعی در دفاع از سازمان، هشیار باشند

بیمه‌گر اجتماعی افزایش پیدا کند که این موضوع، یکی از چالش‌های سازمان تأمین اجتماعی نیز هست.» به گفته معینی، مهم‌ترین چالش سازمان تأمین اجتماعی، عمل نکردن دولت به تعهدات خود و افزایش بدهی‌های این نهاد به تأمین اجتماعی است. از نظر وی، بازده‌ناداشتن سرمایه‌گذاری‌ها و نبود بسترهای فعالیت اقتصادی و برنامه‌ریزی تخصصی، تورم و اشتغال غیررسمی از دیگر مشکلاتی است که به‌طور مستقیم تأمین اجتماعی را متأثر و پرداخت حق بیمه و پرداخت مستمری را با مشکل روبه‌رو می‌کند.

مدیرکل فرهنگی و اجتماعی کارفرمایان تأمین اجتماعی، بی‌توجهی به محاسبات بیمه‌ای را در تصویب قوانین و مقررات، از دیگر معضلات تأمین اجتماعی بیان کرد و افزود: «با وجود مشکلات پادشده، تأمین اجتماعی باید به جمعیت ۴۲ میلیونی خود خدمات‌رسانی کند، اما استمرار این خدمت‌رسانی و ادامه حیات سازمان، به راهکارهای دوراندیشانه‌تری نیاز دارد که مهم‌ترین آن، اصلاحات پارامتریک است.» به اعتقاد معینی، ضرورت اصلاحات پارامتریک در کشور بیش از همیشه احساس می‌شود که البته با توجه به شرایط خاص کشور، این موضوع باید با شبیخی خیلی ملایم، دقتی خاص و با کارشناسی دقیق، اتفاق بیفتد.



وی با بیان اینکه در کشور ایران، وظایف حوزه حمایتی بر سازمان‌های بیمه‌ای تحمیل می‌شود، در تشریح دلایل این موضوع، نبود نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی یا کم‌توجهی به آن را برچسته دانست و در توضیح گفت: «در همه کشورها نظام پایه رفاه و تأمین اجتماعی وجود دارد که وظیفه آن، تأمین حداقل‌های این حوزه است و نظام‌های بازنشتسگی، به صورت تکمیلی به انجام وظیفه می‌پردازند.» معینی اضافه کرد: «سازمان تأمین اجتماعی، نهادی بین‌النسلی و پیامدهای آسیب به آن، مستقیماً بر زندگی ذی‌نفعان

آن اثر می‌گذارد.» مدیرکل فرهنگی و اجتماعی کارفرمایان تأمین اجتماعی، با بیان اینکه در حال حاضر بیش از ۲۰ صندوق بیمه‌ای در کشور وجود دارد که اکثریت آنها شرایط مناسبی ندارند، ادامه داد: «شرایط حال حاضر کشور، برای فعالیت صندوق‌های بازنشتسگی مساعد نیست و باید هر کاری که از دست‌مان برمی‌آید در جهت حفظ و استمرار حیات سازمان تأمین اجتماعی انجام دهیم.» وی افزود: «همه ما باید به اتفاقات پیرامون سازمان تأمین اجتماعی حساس باشیم. آنها را منتقل کنیم و اجازه ندهیم، با تصمیم‌گیری‌های غیرکارشناسی، حیات این سازمان به خطر بیفتد.» معینی، مدیرکل فرهنگی و اجتماعی کارفرمایان تأمین اجتماعی، در پایان گفت: «درخواست ما در سازمان تأمین اجتماعی، از فعالان حوزه تعاون این است که روحیه مطالبه‌گری داشته و موضوعات و مشکلات مرتبط را با این سازمان در میان بگذارند.» علی‌طریق جهانی، معاونت پشتیبانی و برنامه‌ریزی اتاق تعاون ایران نیز در این نشست آموزشی، بی‌اطلاعی از قوانین حوزه تأمین اجتماعی را زمینه‌ساز مشکلات کنونی کارفرمایان دانست و اظهار امیدواری کرد با برگزاری کارگاه‌های آموزشی مشترک میان تأمین اجتماعی و جامعه کارفرمایی، سطح فرهنگی و اطلاعاتی کارفرمایان ارتقا پیدا کند.